**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**فهرست مطالب :**

[تعمیم تعزیر 2](#_Toc427539240)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc427539241)

[مروری بر آیه اجتناب کبائر 3](#_Toc427539242)

[جمع‌بندی 3](#_Toc427539243)

[استثناءیت صغائر یا کبائر 3](#_Toc427539244)

[دلیل عدم استثناءیت مطلق صغائر 4](#_Toc427539245)

[تکالیف امتنانیه 4](#_Toc427539246)

[اقتضای قاعده در این مقام 4](#_Toc427539247)

[مشمولیت فرض توبه 4](#_Toc427539248)

[احتمال دوم در آیه 5](#_Toc427539249)

[نوع تعزیر 5](#_Toc427539250)

[مقدمات بحث 6](#_Toc427539251)

[تعزیر در روایات 6](#_Toc427539252)

[اختیار حاکم در تعزیر 6](#_Toc427539253)

[اقوال در مسئله 6](#_Toc427539254)

[قول اول 6](#_Toc427539255)

[قول دوم 6](#_Toc427539256)

[قول سوم 7](#_Toc427539257)

[قول چهارم 7](#_Toc427539258)

[قول پنجم 7](#_Toc427539259)

[مستندات بحث 7](#_Toc427539260)

[روایت اول 7](#_Toc427539261)

[بررسی دلالی روایت 8](#_Toc427539262)

[روایت دوم 8](#_Toc427539263)

[بررسی روایت 8](#_Toc427539264)

[روایت سوم 8](#_Toc427539265)

# تعمیم تعزیر

# مرور بحث گذشته

سؤالی در جلسه قبل مطرح بود که؛ آیا تعزیر در مطلق معاصی ثابت است؟

اقوال در این زمینه ذکر شد، اما نکته‌ای که در این زمینه لازم است بدان پرداخته شود، این است که؛ نسبت به مطلق تجاوز به سایر موجودات حد قرار داده‌شده است، یا از مقوله عقوبت مقرره است و یا اگر عقوبتی برای آن مقرر نشده است، تعزیر برای آن ثابت است.

# مروری بر آیه اجتناب کبائر

از طرفی دیگر آیه شریفه سوره نساء بیان شد و طبق آن، این نتیجه حاصل گشت که کبائر از این قاعده کلی استثناء می‌شود. و آیه شریفه در حکم مقیدی برای آن مطلقات بود، در آیه مناقشاتی مطرح شد و طی بحث گذشته به آن‌ها پاسخ دادیم، برخی در این زمینه گفته بودند؛

این آیه مستقیم آثار دنیوی را در برنمی‌گیرد، بلکه موجب انصرافی در ادله و مطلقات دیگر می‌شود. یا مقید است یا اگر مقید هم نباشد، وجود این موجب انصراف در مطلقات می‌شود. لذا مطلقات شامل معصیت‌های صغیره نمی‌شود.

# جمع‌بندی

پس اصل اطلاق و عموم ثبوت تعزیر در هر معصیت را قبول داریم. ثانیاً قائلیم در اینجا قیدی واردشده است که صغائر از آن خارج می‌شود

## استثناءیت صغائر یا کبائر

نکته‌ای که باقی ماند این است که به‌طورکلی صغائر از این قاعده مستثنی است یا کبائر؟

در اینجا دو قول بود. بعضی ظاهر کلامشان شاید این باشد که بین صغیره و کبیره فرق است. کبیره تعزیر دارد، اما صغیره مطلقاً تعزیر ندارد. اما عده‌ای هم این را احتمال دادند که هر صغیره‌ای مستثنی نیست. اگر صغائر را فردی انجام دهد که مرتکب کبیره نمی‌شود، در اینجا حکم موردنظر اجرا می‌شود اما، اگر فرد، انسانی بی‌مبالات باشد و پیوسته مرتکب کبائر شود، این حکم او را دربر نخواهد گرفت.

## دلیل عدم استثناءیت مطلق صغائر

دلیل اینکه می‌گویند مطلق صغائر مستثنی نیست، همین آیه شریفه است. آیه شریفه نمی‌گوید مطلق صغائر تکفیر شده است. بلکه می‌فرماید اگر از کبائر اجتناب کردید صغیره را تکفیر می‌کنیم و آثار بر آن مترتب نمی‌کنیم. و این درجایی است که کسی مرتکب کبیره نشود. فرد مقیدی باشد که به لحاظ کبائر تقوا دارد و از ارتکاب کبائر پرهیز می‌کند. در این صورت صغیره او معفو است.

## تکالیف امتنانیه

این آیه شریفه که مستند استثنای صغائر است، شامل لطف الهی است، چراکه گناه، گناه است و عقاب دارد. منتها خداوند منتی بر فرد گذاشته است، لذا این از قبیل آن تکالیف امتنانیه است. مثل حدیث رفع و مانند نفی حرج است.

## اقتضای قاعده در این مقام

یعنی علی‌القاعده مقتضی برای عقاب و ترتب سایر آثار معصیت وجود دارد. اما خداوند منتی گذاشته است و آثار دنیوی و اخروی آن را برداشته است. خداوند می‌گوید این امتنان من برای کسی است که در کبائر انسان مجتنبی و متقی است.

## مشمولیت فرض توبه

نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه داشت، این است که لازم نیست در طول عمر به‌طورکلی اجتناب موجود باشد. چندین حالت شامل حکم آیه می‌شود؛ یا اینکه آن فرد مجتنب باشد یا اینکه اگر انجام داده است توبه نموده است. لذا این را هم شامل می‌شود.

 پس کسی که در حال حاضر توبه کرده است طبعاً داخل در این مفهوم و منطوق آیه هست. بنابراین اصل این است که در همه معاصی تعزیر ثابت است، مگر صغائر صادرشده از کسانی که کبیره را مرتکب نمی‌شوند، یا از کبیره توبه کرده‌اند. این امور مواردی است که در آن‌هم صغیره عقاب اخروی ندارد و هم موجب ترتب تعزیر نمی‌شود.

## احتمال دوم در آیه

در آیه شریفه احتمال دیگری نیز وجود دارد که مراد از اجتناب، اجتناب در طول عمر یا در یک‌زمان بندی عرفی و عقلایی باشد. یعنی در یک محدوده زمانی عرفی، وقتی کسی آن را انجام ندهد و صغائر را مرتکب بشود از او می‌پوشانیم.

 والا اگر در یک محدوده عرفی، کبیره را انجام بدهد، طبعاً صغیره نیز گناه و عقاب دارد.

### نوع تعزیر

آیا تعزیر تنها اختصاص به شلاق زدن دارد یا انواع دیگری مانند حبس و ... را نیز دربر می‌گیرد؟

ظاهر تعابیر فقهی در شلاق زدن است، در قبال نوع تعزیر، انشاءالله بحث می‌کنیم. اما در جهت دوم نظری به کیفیت و نوع نداریم. فرضمان این است که تعزیر یعنی جلد، با این فرض سؤالی که مطرح است، این بوده که؛ در تعزیر به نحو جلد آیا حد و مقداری از ناحیه اقل و اکثر وجود دارد یا اینکه کاملاً به اختیار حاکم است؟

فی‌الجمله در این بحثی نیست که در خیلی از موارد، تعیین مقدار جلد بید حاکم است. در روایات هم آمده است. اما آیا هیچ تحدیدی از ناحیه اقل و اکثر وجود دارد یا ندارد؟ این محل بحث است.

### مقدمات بحث

### تعزیر در روایات

قبل از اینکه وارد بحث شویم باید به چند نکته توجه کرد. یک نکته این است که فعلاً بحث ما در فرض تعزیرات جلدی است. دوم اینکه در مواردی از تعزیرات در خود روایات اندازه تعزیر ثابت‌شده است. لذا بحث ما درجاهایی است که در روایات دارد که تعزیر می‌شود یا بنا بر آن قاعده‌ای که می‌گوییم در مطلق معاصی تعزیر وجود دارد.

### اختیار حاکم در تعزیر

نکته سوم این است که در تعزیرات، در مواردی که تحدید خاصی وارد نشده است، قطعاً اختیار حاکم در آنجا یک قاعده است. حاکم اختیار دارد در اینکه مقدار را تعیین کند و بحث در نفی اختیار حاکم نیست. بحث این است که اقل و اکثری در اینجا وجود دارد که حاکم باید در آن چارچوب عمل کند. یا اینکه اعمال اختیار حاکم شمول دارد و اقل و اکثری وجود ندارد؟ و از طرفی عمده بحث در طرف اکثر است و در طرف اقل بحثی وجود ندارد.

### اقوال در مسئله

### قول اول

این قول از اختصاصات عامه است که بنا بر آن، جلد از ناحیه اکثر محدد نیست، آن اندازه که حاکم مصلحت بداند، ملاک است. این‌یک قول است که در بین خاصه قائلی نسبت به آن وجود ندارد. و روایات هم تقریباً آن را نفی می‌کند.

### قول دوم

قول دوم این است که اکثر صد ضربه است، و حدود جلد از مادون صد در نظر گرفته می‌شود.

### قول سوم

در این قول قائل شده‌اند که اکثر جلد مادون هشتادتا هفتادونه است. کما اینکه در خمر، قذف و موارد دیگر بدین نحو است.

### قول چهارم

به‌طور مطلق عدد چهل ملاک است. و اختیار حاکم تا این مقدار است.

### قول پنجم

در این قول بین عبد و حر فرق گذاشته است، چراکه در روایت است در عبد مقدار نصف می‌شود. اقوال دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که مثلاً در مواردی که گناه به شمار می‌آید میزان متفاوت است. البته احتمالات خیلی بیش از این است، ولی عمده همین اقوالی است که مطرح شد.

#### مستندات بحث

این روایات در همین جلد هیجده ابواب بقیه الحدود یعنی بعضی مواردی که در ابواب قبلی نمی‌گنجیده لذا در ابواب پایانی کتاب حدود و تعزیرات به‌عنوان ابواب بقیه الحدود قرار داده‌اند، باب ده، صفحه پانصد و هشتادوپنج ذکرشده است.

#### روایت اول

سند روایت ظاهراً، البته مرحوم کلینی نیز این روایت را نقل کرده‌اند.

از امام موسی بن جعفر (ع) سؤال کردند که مقدار تعزیر چقدر است؟ حضرت فرمود که در اینجا اقل را هم تعیین کرده است. چند شلاق مابین ده تا بیست عدد، این حد تعزیر است.

#### بررسی دلالی روایت

البته در پاورقی این کتاب از مرآه العقول نقل‌شده است که علامه مجلسی فرمودند: این مخالف آن چیزی است که اصحاب بدان قائل شده‌اند. چراکه در فقهای ماکسی نیامده حداقل را تعیین کند. جهت دوم هم این است که حداکثر را بیست عدد تعیین کرده است. تقریباً هیچ‌کس از اصحاب به بیست قائل نیست، جز یک مورد که قول بسیار نادری است. لذا این امور منجر به اعراض از روایت فوق شده است.

#### روایت دوم

روایت دوم در همین باب است.

**«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِی بْنِ الْحُسَینِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا یحِلُّ لِوَالٍ یؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْیوْمِ الْآخِرِ- أَنْ یجْلِدَ أَکثَرَ مِنْ عَشَرَةِ أَسْوَاطٍ إِلَّا فِی حَدٍّ- وَ أَذِنَ فِی أَدَبِ الْمَمْلُوک مِنْ ثَلَاثَةٍ إِلَی خَمْسَةٍ.»[[1]](#footnote-1)**

این روایت را مرحوم صدوق نقل می‌کنند که پیغمبر خدا (ص) فرمودند: حاکمی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد برای او شایسته نیست که بیش از ده ضربه شلاق بزند مگر در مواردی که در روایت بیان‌شده است.

#### بررسی روایت

این روایت ازنظر سندی بنا بر آنچه سابقاً گفتیم اعتبار ندارد. برای اینکه مرسله است. البته مثل مرحوم آقای بروجردی یا آقای فاضل این نوع مرسلات صدوق را قبول داشتند که سابقاً اقوال در این مرسلات ذکر گردید. لذا این روایت ازنظر سندی خیلی معتبر نیست.

اشکال دلالی آن این است که باز مورد اعراض فقها است. کسی به ده ضربه قائل نیست.

#### روایت سوم

این روایت، روایت معتبره ای است و در علل الشرایع ذکرشده است که؛

**«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِی بْنِ مَهْزِیارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یحْیی عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع التَّعْزِیرُ فَقَالَ دُونَ الْحَدِّ قَالَ قُلْتُ دُونَ ثَمَانِینَ قَالَ فَقَالَ لَا وَ لَکنَّهُ دُونَ الْأَرْبَعِینَ فَإِنَّهَا حَدُّ الْمَمْلُوک قَالَ قُلْتُ وَ کمْ ذَاک قَالَ قَدْرَ مَا یرَاهُ الْوَالِی مِنْ ذَنْبِ الرَّجُلِ وَ قُوَّةِ بَدَنِهِ»‌ [[2]](#footnote-2)**

تعزیر چقدر است؟ حضرت فرمود، تعزیر پایین‌تر از حد است. بعد راوی که حماد باشد می‌گوید منظورتان از حد همان هشتاد ضربه است؟ حضرت فرمود نه، منظور من که گفتم دون الحد، حد حر نیست، حد عبد است. و حد عبد نصف و چهل ضربه است.

1. وسائل الشیعة؛ ج 28، ص: 375 [↑](#footnote-ref-1)
2. علل الشرائع؛ ج 2، ص: 538 [↑](#footnote-ref-2)